

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشرف دهقانی
۱۶ جون ۲۰۱۳

نگاهی به آنچه در ترکیه می گذرد (زمینه ها و ریشه های خیزش)*

موج انقلابی برخاسته از اعماق دریای خروشان توده های تحت ستم ترکیه، چند روزی است که سراسر این کشور را در می نوردد.

توده های خشمگین از شرایط ظالمانه حاکم بر ترکیه، در ابعاد میلیونی و تقریباً در تمام شهرهای ترکیه (به جز چند شهر) به خیابان ها آمده و با انرژی انقلابی نهفته در خود به تعرض علیه دشمنانشان پرداخته اند. مراکز ستم چون بانک ها به مثابه نشان استثمار و غارت کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های ستمدیده در ترکیه توسط امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته در این کشور، و هم چنین مراکز سرکوب و نمود جنایت و ستمگری در حق مردم ترکیه چون پاسگاه های پولیس، دفاتر حزب حاکم، در اولین حرکت توده ها با خشم و کینه توسط آنان در هم کوبیده شدند. خبرگزاری ها از به آتش کشیدن مقر نیروهای پولیس ویژه مداخله در میدان تقسیم در استانبول و انهدام چندین دستگاه ماشین پولیس در این شهر گرفته تا شکستن شیشه بانک ها و ساختمان های مربوط به مراکز سرکوب و به آتش کشیده شدن آن ها در شهرهای مختلف گزارش می دهند. درگیری با پولیس که برای پراکنده کردن تظاهر کنندگان نه فقط از گاز اشک آور و ماشین های آب پاش بلکه با وحشی گری تمام از گاز فلفل نیز استفاده می کند، تا کنون منجر به زخمی شدن تعداد بسیار کثیری از مردم و کشته شدن حداقل سه نفر (البته بر اساس گزارشات رسمی) شده است، و به گزارش روزنامه گاردین به نقل از انجمن پزشکان ترکیه، شش نفر بینائی خود را از دست داده اند. یکی از اعمال نیروهای ضد خلقی در درگیری بین نیروهای مردم و پولیس استفاده از نیروهای امنیتی در لباس شخصی برای سرکوب مردم می باشد و به صورتی که در ویدئو ها دیده می شود اینان به همان صورتی که شغل ناشریفشان در شکنجه گاه ها ایجاب می کند، حتی بی رحمانه تر و وحشیانه تر از مأموران پولیس، جوانان انقلابی را مورد ضرب و شتم قرار می دهند.

خاستگاه اولیه این موج انقلابی، میدان تقسیم استانبول بود. میدانی که تجمعات مبارزاتی نیروهای چپ اغلب در آنجا صورت می گیرد. امسال نیز در اول ماه مه یعنی ۲۸ روز قبل از آغاز جنبش اخیر، هنگامی که نیروهای چپ به خاطر گرامی داشت روز کارگر به طرف این میدان آمده و قصد تجمع در آن جا را داشتند، با هجوم وحشیانه پولیس مواجه گشتند که تظاهرکنندگان را شدیداً مورد ضرب و شتم خود قرار داد و تعدادی را زخمی نمود. این رویداد گوئی پیش زمینه ای برای رویدادی بزرگتر بود، رویداد بزرگی که به بهانه حمله پولیس به جمع پنجاه نفری روی داد که در اعتراض به قطع درختان پارک "قیزی" در آنجا گرد آمده بودند. در واقع، اعتراض به قطع درختان پارک "قیزی"، جرقه ای بر خرمن خشم فروخته توده های تحت ستم ترکیه بود که آتش مبارزه علیه رژیم ضد خلقی حاکم را نه فقط در

استانبول بلکه در سراسر ترکیه شعله ور ساخت. بیهوده نبود که از همان آغاز جنبش، این، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر دیکتاتور، سمبل همه نظام اقتصادی و سیاسی ظالمانه حاکم بر ترکیه بود که آماج حملات مردم رزمنده و انقلابی به پا خاسته حاضر در صحنه مبارزه قرار گرفت.

شکی نیست که توده ها علی رغم همه نارضایتی و خشم شان از حاکمیت و سردمداران یک رژیم، هر روز برای مبارزه با دشمنان خود به خیابان نمی آیند، به خصوص اگر آن ها در شرایط حاکمیت یک دیکتاتوری شدید و سلطه فضای رعب و وحشت و اختناق به سر برند که فریادهای آن ها در گلو خفه می سازد. تجربه های اخیر چه در ایران و چه در بعضی از کشورهای عربی نیز نشان می دهد که در چنین کشورهایی توده هایی که جانشان از شدت ظلم و ستمی که بر آن ها اعمال شده، کاملاً به لب رسیده با توسل به بهانه های ظاهراً قانونی و قابل دفاع برای عموم، به پا خاسته و رو در رو در مقابل دشمنانشان می ایستند. واقعیت این است که مردم ترکیه نیز تحت دیکتاتوری دولتی مدافع منافع سرمایه داران انگل صفت داخلی و امپریالیست ها که البته ادعای دموکرات بودن را هم دارد، زندگی می کنند. در چنین شرایطی است که اعتراض به قطع درختان یک پارک در استانبول آغاز خیزش بزرگ مردم مبارز ترکیه گشت. این مردم با آگاهی از بگیر و ببندها و حد شکنجه های قرون وسطایی در سیاهچال های این کشور، و با آگاهی از وحشیگری های پولیس در خیابان ها در حق هر مبارز و معترضی، به پا خاسته اند. امری که خود بیانگر آن است که سیل توده های به حرکت در آمده در خیابان های ترکیه، سیل جان به لب رسیدگان از شدت استثمار و ظلم و ستم سرمایه داران حاکم و از سرکوب و اختناق است که در اینجا با نام دموکراسی به مردم تحمیل می شود. این در واقع، سیل مبارزاتی همه توده های دربند این کشور است که علیه کلیت رژیم حاکم و در کمترین حد، جهت ناکام گذاردن سیاست های ضد خلقی دولت اسلام گرای وقت، به حرکت در آمده و به پیش می رود. سیل عظیمی که به اعتراف خبرگزاری های رسمی، حداقل در ۶۷ شهر ترکیه جریان دارد.

پیش زمینه های سیاسی خیزش کنونی

علاوه بر همه فشارهای شدید اقتصادی روی اکثریت مردم و نابسامانی های اجتماعی، تلاش های سیاسی حزب عدالت و توسعه (AK PARTİ) و نخست وزیر برای تغییر مسیر جامعه از سکولاریسم به سوی "اسلام گرایی" که به قصد تشدید اختناق در جامعه و به هرز بردن انرژی انقلابی توده ها در مسیرهای فرعی مبارزه (نظیر مبارزه برای عدم ممنوعیت مصرف مشروبات الکلی و غیره) صورت می گیرد و در دوره اخیر در پیش گرفتن سیاست دخالت در جنگ جاری در سوریه، از مسایلی هستند که تضادهای موجود در جامعه ترکیه را هر چه بیشتر تشدید و بر نارضایتی ها و خشم توده ها از حاکمیت، ابعاد گسترده تری داده اند. بر چنین زمینه ای در ۱۸ دسمبر سال گذشته هنگام دیدار طیب اردوغان از دانشگاه صنعتی خاورمیانه واقع در آنکارا، یکی از پرشورترین تظاهرات دانشجویی به وقوع پیوست و دانشجویان مبارز نخست وزیر را "جنگ طلب امپریالیست"، "فاشیست" و "دشمن علم" خوانده و خواستار بیرون رفتن او از دانشگاه شدند. این تظاهرات با حمله پولیس به دانشجویان مواجه شد که طی آن ده ها دانشجو زخمی شدند. اما انتشار خیر این مبارزه در جامعه، علی رغم همه تهدیدات اردوغان و هم پالگی هایش علیه دانشجویان مبارز، بارقه امید در دل های ستمدیدگان به وجود آورد. به گونه ای که به زودی مبارزات دانشجویی سراسر ترکیه را فرا گرفت؛ و حتی در برخی شهرها نظیر استانبول، دانشجویان با انجام بعضی اقدامات مبارزاتی، آشکارا حمایت خود را از مبارزات دانشجویان دانشگاه صنعتی خاورمیانه اعلام کردند. پاسخ دولت ارتجاعی حاکم به مبارزات دانشجویی، نه فقط سرکوب دانشجویان بلکه بگیر و ببند بعضی روزنامه نگاران، فعالان سندیکائی، کارگران و هنرمندان به بهانه ارتباط آنان با یک تشکل چپ گرا بود. حمله به کنسولگری امریکا، و حمله موشکی به مرکز حزب توسعه و عدالت و همچنین

ساختمان وزارت دادگستری که گفته می شود از طرف یک نیروی چپ صورت گرفت و متعاقب آن، سرکوب تشکل های کارگری و دانشجویی از طرف دولت، و بعد تلاش نیروهای چپ و آزادیخواه برای گرامیداشت روز اول ماه مه در میدان تقسیم و برخورد وحشیانه پولیس به تظاهرکنندگان در این میدان، از دیگر رویدادهای ماه های اخیر در ترکیه بودند که مسلماً در بیداری جامعه ترکیه و کشاندن آن ها به صحنه مبارزه نقش خود را داشته اند. اما، یکی از رویدادهای مهم که نگرانی و تنفر هر چه بیشتر توده های تحت ستم ترکیه را از رژیم حاکم و سیاست های نخست وزیر برانگیخت وقوع انفجارهائی در یکی از شهرهای هم جوار با سوریه به نام هاتای (Hatay) در تاریخ ۱۱ ماه می بود که طی آن براساس اخبار رسمی حداقل ۵۰ نفر به شکل فجیعی کشته و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح شدند. این واقعه خونین هوشداری برای توده های مردم بود که دولت حاکم، ترکیه را وارد جنگی ارتجاعی و امپریالیستی با سوریه می کند، امری که نگرانی شدید آنان را موجب شده است. همه این وقایع را در حقیقت باید به عنوان پیش زمینه های سیاسی برای ورود میلیونی ستمدیدگان به صحنه مبارزه خونین با پولیس ترکیه به حساب آورد.

خصوصیت عام جنبش جاری در ترکیه

جنبش کنونی در ترکیه یک جنبش خود به خودی است. یعنی به دعوت یک رهبری معین برپا نشده و هیچ رهبری نیز در رأس آن وجود ندارد. جنبشی است عمومی و همگانی. درچنین جنبش هائی به ظاهر این طور به نظر می آید که همه شرکت کنندگان خواهان یک چیز واحد هستند و گویا اهداف و آرمان های یکسانی را تعقیب می کنند. اما واقعیت این طور نیست. یک جنبش عمومی، در بطن جامعه ای رخ می دهد که به طبقات تقسیم شده است. از این رو در چنین جنبش هائی همواره بخش هائی از میان طبقات گوناگون جامعه شرکت داشته و با حضور خود، به آن روح و شکل و شمایل خاصی را می بخشند. بر چنین اساسی است که وقتی جنبش عمومی و همگانی در ابتداء با درخواستی اصلاح طلبانه همچون خواست حفاظت از محیط زیست یا - هم چنان که در مورد ایران دیدیم - در اعتراض به تقلب در انتخابات شروع می شود با ورود جمعیتی متعلق به اقشار و طبقات مختلف در جامعه به آن، وضع و حال دیگری گرفته و خواست ها و شعارهای جدیدی در آن مطرح می شوند آن هم به گونه ای که گاه موضوع و شعارهای اولیه اساساً به عقب رانده می شوند. به طور کلی، در یک جنبش عمومی اقشار و طبقات گوناگون هر یک اهداف و خواست های طبقاتی و آرمان های خاص خود را دنبال می کنند؛ و به همین خاطر هم شعارهای متفاوت و طرز برخورد های متفاوتی را می توان در آن مشاهده کرد. باید به خاطر سپرد که کشف وجود طبقات در جامعه و نقش متفاوت آن ها در جریان انقلاب، به قرن ۱۸ میلادی بر می گردد؛ و اولین بار این متفکرین و دانشمندان فرانسه بودند که در جریان انقلاب کبیر فرانسه به وجود طبقات در جامعه پی برده و مبارزه بین طبقات را مورد توجه قرار دادند. آن ها در جریان انقلاب توده ها، در انقلابی که ظاهراً این طور به نظر می رسد که گویا همه برای برآورده کردن یک هدف در آن شرکت دارند، وجود طبقات و خواست های طبقاتی متفاوت آنان و جریان مبارزه طبقاتی را در جامعه تشخیص دادند. بعدها مارکس و انگلس با تکیه بر این کشف جامعه شناسانه ارزشمند، به توضیح و تشریح بسیاری از رویدادهای اجتماعی که تا آن زمان برای بشریت معما بودند، پرداختند و از جمله ثابت کردند که "مبارزه طبقاتی لکوموتیو تاریخ است" و یا به بیانی مشخص تر "انقلاب ها لکوموتیو تاریخ اند." مبارزه طبقات ستمدیده با طبقات ستمگر درحقیقت منجر به در هم کوبیده شدن سیستم های اقتصادی - اجتماعی کهنه گشته و به آفرینش سیستم های جدید و در نتیجه پیشرفت و ترقی می انجامد، و به این گونه تاریخ به جلو می رود. در جنبش عام و همگانی کنونی نیز در واقع طبقات و اقشار موجود در جامعه ترکیه در آن حضور داشته و نقش خود را ایفاء می کنند. این جنبش بسته به این که هر کدام از طبقات از چه نیروی بالفعلی برخوردار هستند و توازن قوا بین نیروهای دشمن و مجموعه نیروهای خلق چگونه

است می تواند این یا آن مسیر و شکل و شمایل را به خود بگیرد و نتایجی را به بار آورد. اما آن چه مهم است این است که در هر حال همین مبارزه طبقاتی جاری، همان لکوموتیوی است که به سهم خود تاریخ را به جلو می برد. شکی نیست که توده ها به طور عام دشمن خود را در هیبت حکومتی که بر آن ها اعمال ظلم و ستم می کند، می بینند. به همین دلیل است که از آغاز جنبش در ترکیه، اردوغان و حزب "عدالت و توسعه" (آ.ک.پ AKP) وی آماج حملات توده های به پا خاسته قرار گرفتند. اما حتی در پشت شعارها و اعمال توده ها علیه فرد مزبور و دارو دسته اش، باید مرزها را تشخیص داد. مرز و موضع اکثریت توده های رنج دیده که در پشت نام اردوغان و حزب عدالت و توسعه، کل حاکمیت و رژیم ضد خلقی حاکم بر ترکیه را آماج حملات خود قرار داده و خواهان سرنگونی تمامیت آن می باشند، و مرز و موضع کسانی که از پیشروی جنبش به چنین سمتی هراسناک بوده و صرف برکناری دار و دسته اردوغان را برای رسیدن به اهداف خود کافی می دانند. به همین دلیل است که در این جنبش، هم شعارهایی با مضمون مرگ بر رژیم فاشیستی ترکیه شنیده می شود و هم شعارهایی که استعفای نخست وزیر وقت در آن برجسته گشته است. هم پرچم سرخ نشان طبقه کارگر و تصاویر کمونیست هائی چون «دنیز گزمیش، یوسف اصلان، حسین اینان و ماهیر چایان» را می توان در این جنبش دید و هم پرچم رسمی ترکیه که نشان ناسیونالیسم ترک است، همچنین پرچم هائی که با عکس آتا تورک، بنیانگذار جمهوری ترکیه مزین شده که به نشانه طرفداری از سکولاریسم و مخالفت با سیاست های اسلام گرایانه حزب عدالت و توسعه در دست گرفته شده اند. با همه این اوضاع، این واقعیت غیر قابل انکار است که نیروی محرکه جنبش جاری در ترکیه خواست میلیون ها تن از توده های زحمتکش و رنج دیده برای تأمین مبرم ترین نیاز های زندگی خود می باشد. از این رو این صدا که "من طرفدار انقلاب هستم. اردوغان باید قدرت ما را درک کند. زنده باد انقلاب" (نقل از شبکه تلویزیونی فرانس ۲۴)، صدای واقعی اکثریت توده های تحت ستم ترکیه می باشد. به این امر می توان با بررسی شرایطی که سیاست های نئولیبرالیستی حاکمیت فعلی در جهت تأمین منافع امپریالیست ها، برای اکثریت مردم ترکیه به وجود آورده، هرچه بیشتر پی برد.

ترکیه و سیاست های اقتصادی و سیاسی دولت

صحبث از کشوری است با جمعیتی بیش از ۷۸ میلیون نفر و با مساحتی در حدود ۷۸۰۵۷۶ کیلومتر مربع. کشور ترکیه از شمال به دریای سیاه، از جنوب به دریای مدیترانه، از غرب به دریای اژه و از شمال غربی به دریای مرمره پیوسته است. کشوری که محل اتصال دو قاره آسیا و اروپاست و هم چون پلی اروپا را به منطقه مهم و ستراتیژیک خاورمیانه متصل می سازد. ترکیه از مشرق با ایران، از شمال شرقی با ارمنستان، از مغرب با یونان و بلغارستان و از جنوب با عراق و سوریه هم جوار است.

رجب طیب اردوغان در مقام نخست وزیر ترکیه، قدرت مند ترین مرد ترکیه به شمار می رود، و حزب "عدالت و توسعه" که خود اردوغان و عبدالله گل، رئیس جمهور فعلی ترکیه از مؤسسين آن بودند، حزب حاکم در این کشور می باشد. این حزب پس از انحلال حزب اسلام گرای رفاه در سال ۱۹۹۷ تشکیل شد و رهبر عقیدتی و ایدئولوژیک آن فردی به نام «فتح الله گولن» است که با توجه به نوع تعالیم اسلامی و ضد کمونیستی اش، یادآور خمینی در ایران می باشد.

حزب عدالت و توسعه که خواهان "اسلامی" کردن ساختار قدرت سیاسی و کل جامعه در ترکیه بوده و مُبلّغ "مدل اسلام معتدل ترکیه" است، در سال ۲۰۰۲ با پشتیبانی همه جانبه امپریالیست های امریکا و شرکایش در اتحادیه اروپا به قدرت رسید. این حزب برای "اسلامیزه" کردن ترکیه و کنار زدن "کمالیسم" به مفهوم سکولاریسمی که با نام کمال آتا تورک، شناخته می شود، تا کنون از جنبه های سیاسی و اجتماعی دست به اقدامات گسترده ای زده است - که اشاعه برگزاری

نماز و مراسم های اسلامی به طور دسته جمعی و اقدامات اخیراً انجام شده چون ایجاد مزاحمت در روابط بین دختران و پسران با همدیگر و اقدام به ممنوع کردن فروش مشروبات الکحلی، تلاش برای تغییر قانون طلاق علیه زنان، کوشش در به اصطلاح محجبه کردن زنان (بیهوده نیست که همسران نخست وزیر و رئیس جمهور از سال ۲۰۰۷ با روسری و لباس های به اصطلاح اسلامی در مجامع عمومی حاضر می شوند) و غیره از آن جمله اند. اما، این قبیل اقدامات تنها یک شکل از عملکردهای ارتجاعی دولت حاکم می باشد. اعمال دیکتاتوری و آزادی کشی های این دولت در همه حوزة ها از سرکوب دائمی آزادی بیان و مطبوعات گرفته تا ایجاد محدودیت برای فعالیت سندیکاها و کارگری تا سرکوب نویسندگان و هنرمندان و غیره تا تبعیض و سرکوب اقلیت های مذهبی و به طور برجسته علویان که بیش از ۲۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می دهند (اخیراً اردوغان نام پل سومی را که در استانبول ساخته می شود "سلطان سلیم" نامید، که مظهر کشتار پیروان مذهب علوی می باشد). در عین حال دولت اردوغان با به عهده گرفتن وظایف اقتصادی و سیاسی خاص از طرف امپریالیسم امریکا و شرکاء و تأکید بر به ظاهر رشد اقتصادی بالا در ترکیه، تبلیغات گزافی را مبنی بر تبدیل ترکیه به یک مدل اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه که با ایدئولوژی "اسلامی" هدایت می شوند به راه انداخته و در حالی که آمادگی خود را برای اجرای نقش ژاندارمی در منطقه خاورمیانه و حتی در اروپای شرقی به اربابان امپریالیستش یاد آور می شود، از رویای عظمت طلبانه خود برای احیای امپراتوری عثمانی که نه فقط شامل کشورهای عربی کنونی بود بلکه قفقاز و بالکان را نیز در بر می گرفت، سخن می گوید. درچنین راستائی است که احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، اخیراً در پارلمان این کشور مطرح کرد که "خاورمیانه جدید در حال شکل گیری است و ترکیه رهبری این خاورمیانه را به دست می گیرد." اقدامات ارتجاعی - مذهبی اردوغان به همراه تبلیغات گزاف عظمت طلبانه وی و حزب عدالت و توسعه در شرایط تشدید وابستگی هر چه بیشتر ترکیه به امپریالیست های غربی و پیشبرد سیاست های تجاوزکارانه امریکا در خاورمیانه و نقشی که از طرف امریکا به دولت کنونی ترکیه محول شده، صورت می گیرد.

پیش از روی کار آمدن اردوغان، ترکیه به یمن وام های کلانی که از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دریافت کرده بود، یکی از بزرگترین کشورهای وامدار و مقروض در جهان به شمار می رفت. اردوغان این اوضاع را با گرفتن وام های باز هم بیشتر در جهت وابستگی هر چه بیشتر اقتصاد ترکیه به این نهاد های امپریالیستی تشدید نمود. همان طور که می دانیم اجرای طرح های اقتصادی نئولیبرالی و از جمله خصوصی سازی، یکی از سیاست هائی است که به خواست سرمایه داران امپریالیست توسط نوکران و دولت های وابسته شان در اقصی نقاط دنیا پیاده می شوند. در این زمینه نیز دولت اردوغان گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده و با تسهیل شرایط برای سرمایه گذاری های خارجی و حتی فروش بانک ها و بنادر و راه ها به سرمایه داران خارجی، اقتصاد ترکیه را بیش از پیش به امپریالیست ها وابسته کرده است. اتفاقاً، بر زمینه تشدید سرمایه گذاری های خارجی که از قبل آن ها البته بورژوازی وابسته این کشور نیز هر چه فربه تر گردید، ظاهراً رشد و رونق اقتصادی در ترکیه حاصل شد و به مرتجعین امکان تبلیغات دروغین جاه طلبانه ای را داد. اما این در واقع یک حباب اقتصادی بود که با عواقب خود نظیر رشد نرخ تورم، کسری بودجه، رکود و کساد اقتصادی و غیره پایدار نماند و ترکید.

معضلاتی که امروز ترکیه همچون همه کشورهای وابسته به امپریالیسم (نظیر ایران) با آن روبه روست ناشی از وابستگی این کشور به سیستم اقتصاد امپریالیستی است که در سال های اخیر با توجه به رشد بحران در سیستم سرمایه داری جهان و سرشکن کردن آن از طریق سیاست های نئولیبرالیستی بر دوش توده های تحت ستم این کشور، شدیدتر و گسترده تر گشته است. افزایش نرخ بیکاری و در همان حال رشد تورم و از دست دادن ارزش لیر ترکیه و در نتیجه تشدید فقر و فلاکت و تبعات تأسف بار آن نظیر رشد فحشاء، گدائی و رشد انواع تخلف ها و نا امنی ها در جامعه، نتیجه

استثمار شديد نیروی کار و عملکردهای غارتگرانه بورژوازی وابسته این کشور می باشد. امروز در آمد بسیاری از مردم ترکیه روزانه دو دلار و یا حتی کمتر از آن است. حتی کارمندان دولت زندگی در حد پائین تر از خط فقر دارند. بر طبق آمارهای منتشر شده، از هر چهار کودک در ترکیه یک کودک دچار سوء تغذیه است و بر اساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اجتماعی، ترکیه دارای بیشترین میزان مرگ و میر کودکان در بین کشورهای عضو این سازمان است. زاغه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ به همان گونه که ما در ایران شاهدیم در اینجا نیز وسیعاً وجود دارد. در چنین شرایطی در صد کمی از اقلیت جامعه از قیل اجرای پروژه های امپریالیستی در کشور به ثروت های کلانی دست یافته اند و اختلاف طبقاتی بسیار چشمگیر گشته است. همه این واقعیات زمینه اصلی خیزش اخیر در ترکیه می باشند. عملکرد اخیر دولت اردوغان در رابطه با پیشبرد سیاست های جنایتکارانه امریکا در سوریه معضل دیگری است که نگرانی مردم ترکیه از درگیر شدن در جنگ امپریالیستی جاری در سوریه را فراهم آورده است. این امر نیز به نوبه خود باعث رشد تضاد میان توده های مردم و حکومت گشته است. اساساً باید توجه داشت که همین که یک مطالبه اجتماعی به چه سرعتی به شعارهایی با مضمون سیاسی تبدیل شد و چطور در همان آغاز اولین تجمعات توده ئی، کار به درگیری خشونت بار بین مردم و پولیس انجامید، خود نشان دهنده شدت تضاد فیما بین توده های ستمدیده ترکیه با حاکمیت و بیانگر شدت خشم آنان از وضع ظالمانه موجود است.

جنبش مردمی ترکیه و وظیفه نیروهای آزادیخواه

مبارزه طبقاتی امروز در کشور همسایه ما ترکیه با شدت هر چه بیشتری جریان دارد. در این جا نیز هم چون ایران طبقه کارگر در مقابله با طبقه سرمایه دار و حاکمیت ارتجاعی موجود، قشرهای مختلف خرده بورژوازی را در کنار خود دارد، قشرهایی که هر یک به دلیل ستم هایی که از این حاکمیت مدافع منافع سرمایه داران و امپریالیست های ذینفع در ترکیه، متحمل می شوند، همگی در جبهه واحد با پرولتاریای ترکیه علیه این حاکمیت قرار دارند. درست همین تضاد و مبارزه بین کارگران و زحمتکشان و اقشار مختلف خرده بورژوازی با نیروهای ضد خلقی شامل سرمایه داران و امپریالیست ها با نهادهای سیاسی و نظامی شان به همراه همه آنانی که جیره خوار سفره غارت آن ها هستند و در کلیت با حاکمیت امپریالیستی موجود می باشد که امروز جامعه ترکیه را به شدت تکان داده است. تضادی که نیروهای یک طرف را برای پیشروی به جلو به اعمالی سوق داده که با کلمات شجاعانه، فداکارانه و قهرمانانه قابل توصیف می باشند، چرا که ماهیت اعمالشان انقلابی و ترقی خواهانه است، و نیروهای طرف دیگر را که دارای ماهیت واپس گرایانه و ارتجاعی است بر آن داشته که برای حفظ وضع موجود، مرتکب بدترین و وحشیانه ترین جنایات گردند. موضوع مهم دیگر این است که در یک جنبش عمومی این فقط نیروهای خلقی واقعاً معترض و مبارز علیه سیستم و دولت حاکم نیستند که دست به فعالیت سیاسی می زنند بلکه نیروهای رفرمیست و حتی ارتجاعی نیز به نحوی خود را داخل این جنبش ها کرده و می کوشند با اعمال و تبلیغات خاص خود، آن جنبش را از مسیر اصلی آن خارج کرده و جهت دلخواه خود را به آن بدهند. در این کار، اینان علاوه بر همه امکانات شان، رسانه های ارتجاعی گوناگون را نیز پشت سر خود دارند که آشکارا یا مودیان به نفع آن ها تبلیغ و به پیشبرد اهدافشان کمک می کنند.

خلاف خیزش سال ۱۳۸۸ در ایران که به بهانه ای پا گرفت (تقلب در انتخابات) که بخشی از نیروهای ضد انقلابی (دارو دسته موسوی و کروبی و به طور کلی "سبزها") نیز آشکارا امکان نفوذ در جنبش توده ها را یافتند (به همین خاطر هم سعی کردند نشان "سبز" به این جنبش زده و آن را از مسیری که توده ها پیش می بردند، منحرف کنند - که البته نتوانستند)، در ترکیه یک حرکت اصلاح طلبانه (مقاومت در مقابل قطع درختان میدان تقسیم) مبداء جنبش انقلابی کنونی است و نیروهای سازشکار و یا ارتجاعی برای نفوذ در این جنبش سعی دارند ظاهراً خود را موافق با آن نشان

دهند. اگر در جریان جنبش سال ۸۸ در ایران همه نیروهای واپس‌گرا و ارتجاعی سعی کردند، تقلب در انتخابات و گویا دفاع از موسوی را دلیل جنبش عظیم توده‌نی در ایران جلوه داده و همه شجاعت‌های اعجاب‌انگیز و برخورد‌های انقلابی توده‌ها را تحت نام "جنبش سبز" به خورد دیگران بدهند - تا حداقل افراد بی‌خبر در سطح جهان را بفریبند، امروز در ترکیه با ظاهر دفاع از جنبش تحسین برانگیز مردم انقلابی، کوشش نیروهای سازشکار و حتی متعلق به جبهه ارتجاع آن است که مثلاً با دفاع از خواست حفظ محیط زیست و ظاهراً هم آوازی با معترضان به قطع درختان پارک قیزی، سطح جنبش انقلابی توده‌های تحت ستم ترکیه را در همین حد پائین بیاورند.

خیزش وسیع مردم مبارز ترکیه، ضربه بزرگی به حاکمیت ضد خلقی حاکم بر ترکیه که تا کنون خود را قدرت مطلق در ترکیه تصور می‌کرد و بر این مبنا سیاست‌های ضد خلقی خود را پیش می‌برد، وارد کرده است. همچنین این خیزش نه فقط نگرانی بورس‌بازان و سرمایه‌داران دیگر را در ترکیه باعث شده بلکه امپریالیسم امریکا را نیز که انجام وظیفی را در ارتباط با سوریه به عهده دولت وقت ترکیه گذاشته هراسناک نموده است. امروز همه دشمنان به تکاپو افتاده و هر یک با اتخاذ تاکتیک‌ها و تبلیغات خاص می‌کوشند این جنبش را از پای در بیاورند. خبرگزاری هائی نظیر بی‌بی‌سی کماکان به نفع اردوغان به طور مودبانه تبلیغ می‌کنند و از "هوداران پر شور" او خبر داده و بدون این که به روی خود بیاورند که آن‌ها اقلیتی جیره‌بگیر یا به گونه‌ای که در ایران مشهور است "ساندیس خور" هستند که در مقابل میلیون‌ها مردم ترکیه قرار دارند، از موافقان و مخالفان وی که گویا وزن چندان نامتعادلی هم ندارند صحبت می‌کنند. در داخل ترکیه نیز در حال حاضر نیروهای دشمن در کنار همه تهدیدات و مسلماً سازماندهی خود برای یورش هر چه وحشیانه به مردم، دست به فریب‌کاری وسیعی زده‌اند به طور که امروز ظاهراً بازار انتقادهای دروغین‌شان به پولیس و سرزنش آن‌ها گرم است، حتی خود اردوغان هم از "زیاده‌روی" پولیس در دست زدن به خشونت در حق تظاهرکنندگان صحبت می‌کند. ارتجاع حاکم بر ترکیه با این شیوه‌ها قصد خام کردن توده‌های مبارز را دارد و به این ترتیب می‌کوشد مبارزان را از خیابان به خانه برگرداند تا پس از آن به راحتی و در خفا بتوانند آن‌ها را قلع و قمع کنند. از سوی دیگر مردم شجاع و مبارز ترکیه در طی چند روز نبرد خونین با نیروهای مسلح دشمنان خود، به تجربه هائی دست یافته‌اند. آن‌ها نه فقط دیدند که پولیس باچه وحشی‌گری در مقابل مبارزان عمل می‌کند بلکه شاهد بودند که افراد مسلح دیگر در لباس شخصی در داخل تظاهرات مردم حضور یافته و در مواقع مقتضی به ضرب و شتم بی‌رحمانه تظاهرکنندگان می‌پردازند. این واقعیات در حالی که در خدمت رشد آگاهی مردم قرار دارد، تجربیاتی را به دست می‌دهد که در مبارزات آینده به کار توده‌های مبارز خواهد آمد.

جنبشی که امروز در ترکیه جریان دارد بر زمینه شرایط ظالمانه‌ای به وجود آمده که زمینه خیزش سال ۱۳۸۸ در ایران بود، بر اساس همان زمینه‌ای که انقلاباتی را در تونس و مصر دامن زد، همان زمینه‌ای که کارگران مبارز را در قبرس و یونان و اسپانیا به حرکت درآورد. زمینه‌ها و ریشه‌های مادی این جنبش‌ها چنان قوی هستند که با سرکوب از بین نمی‌روند. جنبشی از پا می‌افتد و جنبشی دیگر در جانی و در زمانی سر بلند می‌کند و دوباره و دوباره. به یاد آوریم که پس از انقلاب اکتوبر، گسترش و شدت‌گیری مبارزات ملی و آزادیبخش در کشورهای مستعمره، نقش بزرگی در از پا درآوردن امپراتوری بریتانیای کبیر یا همان امپریالیسم انگلستان که سرکرده امپریالیست‌ها در جهان بود، ایفاء نمود. جنبش بزرگ مردم مبارز ترکیه نیز از قماش جنبش‌های جاری در منطقه خاورمیانه و در اقصی نقاط جهان است که امروز ناقوس مرگ قطعی امپریالیست‌ها و نابودی سیستم گنبدیده سرمایه‌داری جهانی را به صدا درآورده است.

جنبش مردمی جاری در ترکیه، جبهه‌ای از جنبش انقلابی تمامی کارگران و خلقهای تحت ستم منطقه و از جمله ایران علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم و حکومت‌های ارتجاعی وابسته به آن است، بر تمام نیروهای آزادیخواه و واقعاً

دمکرات است که به هر صورت ممکن از این جنبش انقلابی و خواسته‌های آن دفاع و صدای توده‌های مبارز و دلیر ترکیه را در راستای تقویت همبستگی مبارزاتی بین‌المللی هر چه وسیع‌تر در افکار عمومی پژواک دهند.

* این مقاله در ابتداء به قصد پاسخگویی به سوالات بعضی رفقاء در مورد رویدادهای جاری در ترکیه بر اساس اخبار و گزارشات منتشر شده در اینترنت نوشته شد، ولی با توجه به اهمیت رویدادهای ترکیه بی‌مناسبت نیست که آن را در اختیار عموم نیز قرار دهم.

خرداد [جوزا] ۱۳۹۲